

**چگونه خود را از وسوسه شیطان برهانیم؟**

آیت الله جوادی آملی می گوید: کسی که با آبروی مسلمانی معامله می کند، از درون آتش می گیرد...



آیت الله جوادی آملی می گوید: کسی که با آبروی مسلمانی معامله می کند، از درون آتش می گیرد؛ نه از بیرون. این شخص دیگر شب ها خواب ندارد. هرچه قرص خواب بخورد، باز هم به خواب نمی رود.

به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از راه کارهای رسیدن به حالت توبه، دوری از وسوسه ها، خطورات و افکار شیطانی است. سوالی که در این باره مطرح می شود این است که چگونه خود را از وسوسه شیطان برهانیم؟

آیت الله جوادی آملی در پاسخ به این سوال می گوید: ابلیس دشمنی بیرونی است و تا پایگاهی در درون نداشته باشد، نمی تواند به انسان ضربه بزند. کار شیطان صدور سم به درون انسان است. اگر کسی که می خواهد دیگری را با سم از پای درآورد، آن را در جیب شخص بگذارد، تأثیری در وی ندارد یا اگر سم را به او بخوراند و او بالا بیاورد، باز هم اثری ندارد. دستگاه گوارش باید سم را بپذیرد و آن را جذب کند تا پس از ورود به خون، اثر زیانبار خود را به جای بگذارد.

وسوسه ها نیز چنین است: هوا، هوس و شهوت رانیهای گوناگون که رقیق ترین و سبک ترین آن در جوان ها و سنگین ترین آن در سالمندان، به صورت حب جاه و مقام مشاهده می شود، نشانه تأثیر سم است.

واپسین عقبه ای که بزرگان سیر و سلوک از آن نجات می یابند، «مقام خواهی» یا همین بازی هایی است که بسیاری به آن گرفتارند. اگر کسی از تعاریف و القابی که به او می دهند، لذت ببرد، معلوم می شود که سم در او اثر کرده است. وجود مبارک امیرمؤمنان (علیه السلام) در عهدنامه مالکاشتر فرمود: شیطان همواره در پی حمله است: وقتی کسی از تو تعریف می کند، باید مواظب باشی، چون در خط مقدم آتش شیطان قرار گرفته [۱].

کسی که با آبروی مسلمانی معامله می کند، از درون آتش می گیرد؛ نه از بیرون. این شخص دیگر شب ها خواب ندارد. هرچه قرص خواب بخورد، باز هم به خواب نمی رود. هرچه بستر نرم فراهم کند، باز هم خواب ندارد. زمانی انسان بر تشک نرم می خوابد، و زمانی این تشک پر از تیغ است. انسان بر روی این تشک به هر طرف بغلند، تیغ می خورد. تیغی که از درون انسان بر می خیزد، با قرص خواب برطرف نمی شود.

چه آساید به هر پهلو که گردد کسی کز خار سازد او نهالین [۲]

۱. «ایاک و الإعجاب بنفسک و الثقة بما یعجبک منها و حُبّ الاطراء فإن ذلک من شیطان؛ أوتق فرص الشیطان»؛ نهج البلاغه، نامه: ۵۳

۲. دیوان شمس، ص: ۷۰۷، ش: ۱۸۹۸